

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۸ جنوری ۲۰۱۸

## روابط منطقه‌ئی و جهانی عربستان سعودی



### مقدمه:

عربستان سعودی شبکه قدرت‌مندی از روابط منطقه‌ئی و محلی سیاسی، نظامی و اقتصادی ساخته است که آمیخته ای مشترک از وابستگی مذهبی و افراطی است. در نتیجه، علی‌رغم شهرتش در خاورمیانه و فراتر از آن به عنوان یک رژیم سلطنتی مذهبی (روحانی) مستبد عقب مانده با وابستگی شدید به فروش نفت، به یک نیروی سیاسی مرگبار تبدیل گشته است. جهت درک پویائی و تجسم قدرت سعودی، مهم است که نحوه استفاده اش را از سلاح‌های نظامی، مذهبی و اقتصادی شناسائی و تجزیه و تحلیل کنیم.

### عربستان سعودی: سال‌خوردگی و حمایت مزدوران

عربستان سعودی ارتش‌های مزدور افراطی خشونت‌طلب را در سوریه، عراق، سومالی، یمن، لیبیا، لبنان، افغانستان، پاکستان، فیلیپین، مالیزیا و چندین کشور دیگر آسیائی و افریقائی تدارک دیده و حمایت مالی نموده است. شاخه متعصب وهابی سعودی از اسلام سنی و مزدوران تجارتي او جهت سرنگونی و نابود ساختن رژیم‌ها و جوامع عربی استفاده عملی می‌کنند که دارای رهبری سکولار و ملی، مدرن مستقل هستند و یا چندقومی یا چندمذهبی را تحمل کرده و به کار می‌گیرند. آن‌ها همچنین جمهوری‌هائی با اکثریت دولت‌های شیعه مخالف سلطه وهابی و سعودی در خاورمیانه را هدف قرار می‌دهند.

هدف سعودی تکه تکه کردن جوامع چندقومی و مدرن بوده است تا رژیم‌های «دنباله رو» وحشی را تحمیل نماید، که پادشاهان عرب سال‌خورده را از سرنگونی توسط نیروهای محبوب داخلی و خارجی، ملی‌گرا و دمکراتیک حفاظت کنند.

### خرید متحدان جهانی و منطقه‌نی توسط عربستان سعودی

پادشاهی سعودی از رژیم‌های ضددمکراتیک حمایت مالی و پشتیبانی می‌کند، که متحدان نظامی و منابع مزدوران را تأمین نمایند: ثروت ناشی از نفت سعودی جهت افسران، مقامات و پرسنل نظامی پاکستان، مصر، یمن و اردن پرداخت گردیده است تا جاه‌طلبی‌های هژمونیک خود را تحمیل نماید.

عربستان سعودی دارای روابط نظامی و اقتصادی بسیار طولانی مدت با امریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای ناتوئی است. پایگاه‌ها و سلاح‌های امریکائی، همچنین فروش سلاح‌های بریتانیائی و فرانسوی، در خدمت برای افسران گارد متکی بر استبداد است.

ثروت ناشی از نفت سعودی هزاران مدرسه مذهبی و مرکز فرهنگی را در خارج از کشور تأمین مالی کرده است تا متعصب‌ترین نوع اسلام و هابی را تدریس کنند. آن‌ها مزدوران و فعالان سیاسی را جهت پیش‌برد پروژه‌های قدرت جهانی پادشاهی سعودی استخدام می‌نمایند، و بورس تحصیلی را به جوانان مسلمان باهوش اعطاء می‌کنند که مایل به گسترش تبلیغ و هابی باشند.

عربستان سعودی، علی‌رغم اختلافات مذهبی ظاهری، بر مبنای نژادپرستی قبیله‌نی شدید و دشمنی مشترک خود با ایران مستقل و کشورهای عرب ملی‌گرا و سکولار، مانند لبنان، سوریه و عراق، و جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در خاورمیانه، مدتهاست که روابط بالفعلی با اسرائیل برقرار کرده است.

پادشاهی سعودی در بخش بزرگی، با «قدرت به قرض گرفته شده» زنده است – ثروت ناشی از نفت را با مشاوران مالی و نظامی مبادله کرده است. ضعف اساسی و آسیب‌پذیری سیاسی سعودی زمانی آشکار می‌گردد که آن‌ها ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین کشورهای خاورمیانه: یمن و قطر را برای حمله و محاصره انتخاب کرده اند.

علی‌رغم میلیاردها دالر هزینه صرف انداختن هزاران تُن بمب بر یمن و مسلح کردن هزاران مزدور، پروکسی (نیابتی) های سعودی در نهایت یک سوم آن کشور تخریب شده و کمتر از یک چهارم جمعیت گرسنه اش را تسخیر کرده اند. شاهزادگان سعودی در طول جنگ خود علیه یمن مرتکب شریرت‌ترین جنایات جنگی شده‌اند: حیاتی‌ترین زیرساخت را نابود کرده‌اند، هزاران نفر را کشته‌اند، با بمباران سیستم تصفیه آب موجب گسترش وبا گشته‌اند و با گرسنگی دادن به میلیون‌ها شهروند تلاش کرده‌اند که آن‌ها را مجبور به تسلیم کنند. اما با این وجود، عربستان سعودی از حملات زیاد مرزی رنج برده است و حتی یک حمله راکتی اخیر شورشیان یمنی به فردوگاه اصلی اش اصابت کرده است.

قطر به دلیل دیپلماسی نفتی مستقل منطقه‌نی خود باعث خشم و غضب سعودی گشت – از جمله از این‌که به دنبال روابط دوستانه با همسایه بزرگ خود، ایران شد. سعودی خشمگین سه دیکتاتور منطقه‌نی، مصر، اردن و امارات متحده عربی را تأمین مالی کرد، تا به تحریم علیه کشور کوچک قطر بپیوندند. این اقدامات مانند بومرنگ (تُف سربالا) به سوی سعودی‌ها برگشت، منجر به افزایش معاملات تجاری قطر با ایران و عراق شد، که به طور مؤثر تحریم‌های بزرگ پادشاهی سعودی را دور بزند. این به طور فزاینده‌ای آشکارست که پادشاهی پیر سعودی نمی‌تواند به طور مؤثر عضلات شُل و ول خود را علیه همسایگان آن سوی آب خود به کار گیرد.

پروژه های قدرت سعودی فراتر از همسایگان نزدیک به همان اندازه شکست خورده است که تقویت تصویر سلطنت به عنوان یک قدرت جهانی شکست خورده است. مزدوران داعشی حمایت مالی شده توسط سعودی به طور قطعی توسط نیروهای شیعه عراقی و با ائتلاف دولت سوریه - روسیه - ایران - حزب الله در سوریه شکست خورده و نابود شده اند. در نتیجه، دادوطلبان مزدور حقوق‌هایشان را گرفته و به کشور خود برگشته اند تا شرارت ایجاد کنند. تروریست‌های مورد حمایت سعودی در افغانستان که توسط طالبان به حاشیه رانده شده اند، ممکن است هنوز از برخی باقی‌مانده های سخاوت سعودی لذت ببرند، اما دستورکار ملی خودشان را دنبال می‌کنند. امضای قرارداد دادهای سعودی با اسرائیل در عملیات مخفیانه، یک مورد شست و شوی مغزی دوطرفه بر مبنای دشمنی مشترک خودشان با ایران، سوریه، حزب الله، حماس، و یمن است. این امر منجر به یک پیمان عجیب و غریب بین وهابی های سعودی، صهیونیست‌های وال استریت و نظامیان متعصب اسرائیلی شده است.

### اهمیت سفر «سعودی» دونالد ترامپ: رقص با محمد بن سلمان

در اوایل نومبر ۲۰۱۷، شاهزاده تاج و تخت‌دار و معاون نخست وزیر عربستان سعودی، محمد بن سلمان (ام پی اس)، ۳۰ وزیر و جنرال، «وارن باوفت» میلیاردی عرب و ۱۱ شاهزاده چاق و چله (پولداری) را دستگیر کردند، و تقریباً یک تریلیون دالر دارائی به دست آوردند. این بزرگترین پاکسازی در تاریخ سعودی است. در این روند چندین شاهزاده دوراندختی مرگ زودرس خود را دیدند.

محمد بن سلمان به عنوان بخشی از کمپین «مبارزه با فساد»، با پاک کردن بوروکراسی دولتی و جایگزینی آن‌ها با کسانی که مستقیماً وفادار به خودش بودند، قبضه کردن قدرت خود را پنهان نمود. شاهزاده تاج و تخت‌دار کودتای خود را با عنوان «تحول تاریخی» بسته بندی کرد - گارد قدیمی را پاکسازی نمود تا سلطنت را مدرنیزه نماید. اغلب ناظران لفاظی‌های «دولت خوب» محمد بن سلمان را به عنوان «بن سلمان» و خرقة ای نازک جهت مخفی کردن تحکیم دیکتاتوری شخصی او می بینند.

ایده «مدرنیزه» کردن شاهزاده تاج و تخت دار با تحریکات نظامی منطقه‌ئی، تهدیدات، و جنگ‌های جنای داخلی همراه بوده است. طرح محمد بن سلمان جهت «تحول» عربستان سعودی ممکن نیست آن نوع سرمایه گذاری خارجی را حذب کند که او نیاز دارد. اقدام او جهت بلوکه کردن کشور کوچک قطر، جایی که پایگاه هوایی ستراتیژیک امریکا و هزاران پرسنل امریکائی مستقر اند، باعث ناخشنودی پنتاگون شد.

محمد بن سلمان به نخست وزیر لبنان سعد الحریری، عروسک دست نشانده پادشاهی عربستان و شهروند دوگانه لبنانی - سعودی دستور داد تا به ریاض برود و استعفاى خود را از تلویزیون سعودی اعلام نماید. او متنی را خواند که ایران و حزب الله (عضو ائتلاف حاکم کنونی در لبنان) را محکوم کرد که ترور حریری را طرح ریزی کرده اند. در نتیجه، هیچ‌کس نتواند ارتباط با محمد بن سلمان را بفهمد. حریری در عربستان سعودی پنهان شد و نمی‌خواست و یا نمی‌توانست به کشورش لبنان برگردد.

طرح محمد بن سلمان جهت قبضه کردن قدرت ابتداء با ملاقات واسط سال ۲۰۱۷ رئیس جمهور ترامپ روشن شد. پاکسازی محتمل الوقوع با معامله نفتی دو میلیارد دلاری بین واشنگتن و ریاض امضاء شده بود.

شاهزاده مستبد، اما «رؤیائی»، تاج و تخت دار به وال استریت «جواهرات سلطنتی» سعودی را هدیه داد، و وعده داد که آرامکو - شرکت نفتی دولتی تریلیون دلاری را خصوصی کند. او معامله چندمیلیاردی را به سرمایه گذاران امریکائی

و اتحادیه اروپا ارائه داد تا شهرهای بزرگ مدرن برای شهروندان سعودی بسازند که جایگزین شاهزادگان فاسد سست عنصر متکی به نفت، بوروکرات‌ها و مردان مقدس شود.

مانورهای جنگی منطقه‌ئی و کودتاهای همیشگی داخلی باعث تحریک ترس از بی‌ثباتی بیش‌تر منطقه در میان سرمایه‌گذاران شد. لفاظی‌های ضدایرانی محمد بن سلمان و تهدیدات وحشیانه جهت حمله به تهران ممکن‌ست نتانیا‌هو نخست‌وزیر اسرائیل و سگ اهلی جدید کاخ سفید او، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ را هیجان زده بکند، اما این حنرال‌های کابینه ترامپ یا بانکداران وال استریت را تحت تأثیر قرار نداده است.

رژیم ناپایدار محمد بن سلمان، جنگ‌طلبی‌های او و فروش نفت، متناسب با آن نوع پایه و اساس اقتصادی و سیاسی لازم جهت یک اقتصاد متنوع، مدرن و ماهر نیست. اغلب ناظران نتیجه‌گیری می‌کنند که فروش آرامکو فقط معامله‌نادری با رهاسازی بخشی از شروط مشاغل ماهر، سرمایه‌گذاری محلی و تنوع اقتصادی است.

در حال حاضر، محمد بن سلمان توانسته است حمایت حاکم بسیار منفور قبلی خلع شده یمن، عبدالربه منصور هادی را «جذب کند». قدرت متقاعدکنندگی او سحر خودش را بر سعد حریری نخست‌وزیر سابق زیرک یا «خود تبعید خواسته» و ترامپ رئیس‌جمهوری امریکائی که از نظر جغرافیائی سرمست شده است، کارکرد داشته است. محمد بن سلمان ارشدترین مدیرانی را که از امریکا و انگلیس مهاجرت کرده اند، استخدام می‌کند تا ریاست فروش نفت را به دست گیرند. او قصد دارد خود را به عنوان یک «مستبد مدرن» بشناساند - حداقل تا زمانی‌که فتنه شاهزاده بعدی او را از قدرت به زیر بکشد. در همین حال، او به عنوان یک فرمانروای مقتدر «مدرن» خاورمیانه مستقر شده، که توسط خاندان طایفه‌ئی حفاظت می‌شود، و مورد نفرت مردم خودش است، به طور خصوصی توسط متملقان خارج از کشور خود مسخره می‌شود و با مهارت توسط مدیران مهاجر در حال ساخت «خدمت می‌شود». بدون شک او توسط هر دلقی که کاخ سفید را اشغال کند راضی نگه داشته می‌شود. فعلاً، سعودی‌ها می‌توانند هنوز مزدوران را جذب کنند، میلیون‌ها یمنی را بمباران کنند و گرسنگی دهند، نفت بفروشند و همچنان بمبگذاری‌های تروریستی لبنان، بغداد، پاریس، و... نیویورک را تأمین مالی نمایند.

## نتیجه گیری

عربستان سعودی و اسرائیل نقش‌های مهمی در تقویت «کمان ارتجاع و ترور» در خاورمیانه بازی می‌کنند. هر دو تحریک به جنگ می‌کنند، تروریسم را تأمین مالی نموده و تفرقه‌نژادی و قومی را گسترش می‌دهند که منجر به میلیون‌ها پناهنده می‌شود.

«محمد بن سلمان شاهزاده تاج و تخت دار» عربستان سعودی با نتانیا‌هو در اسرائیل در جعل ظالمانه‌ترین تهمت‌های جنگ‌طلبانه علیه ایران، و برای آماده ساختن جهان جهت حریق بزرگ جهانی رقابت می‌کند.

محمد بن سلمان به طور فعال با ایجاد تقسیمات فرقه‌ئی در لبنان به اسرائیل خدمت می‌کند تا به اسرائیل بهانه ای جهت حمله به حزب الله و میلیون‌ها شهروند لبنانی ارائه دهد. محمد بن سلمان ادعا می‌کند که تنها راکتی که از یمن به فرودگاه ریاض اصابت کرده، اعلام جنگ کامل توسط تهران بوده است... تو گوئی که محاصره و گرسنگی دادن و بمباران روزانه شهرهای یمن توسط سعودی نباید هیچ پاسخی داشته باشد.

تب جنگ در ریاض پوششی برای بی‌لیاقتی سیاسی محمد بن سلمان و «طرحی هوش‌مندانه» جهت منحرف کردن از بازی کودخانه چرخش شاهزادگان و فتنه‌های قبیله‌ئی است.

محمد بن سلمان، برای تمام کلیشه های مدرنیته خود و شخصیت روابط عمومی به دقت آراسته خود، که توسط رسانه های فاسد غربی پخش می شود، هنوز رهبر مشتاق یک ارتش قبیله ئی، و وابسته به یک ائتلاف شکننده با متحدان غیرقابل اعتمادست: فرماندهان ارشد و پرسنل مصری از سعودی های پولدارچاق متنفر اند؛ حاکم بحرین توسط نیروهای مزدور سعودی سرپا نگهداری می شود. توده های سعودی توسط جنگ سالاران قبیله ئی و شکنجه گران آنها بازرسی می شوند. به نیروی کار وارداتی و به ارتش خدمت گزاران خانگی خارجی تجاوز و بی رحمی می شود. به سختی یک رهبر الهام بخش عربستان سعودی از قرون وسطی ظهور کرده است.

محمد بن سلمان بر روی یک بشکه باروت نشسته است و تهدید می کند که هم آهنگی سیاسی خاورمیانه و بازارهای نفت و مالی جهانی را نابود سازد. عربستان سعودی یک رژیم شکننده با دستی دراز و نحیف است. حاکمان کنونی تصور می کنند که فتنه های قدرت و قصر وام گرفته شده آنها می تواند بر روی چنین پایه های فاسد و با یک الیگارش می مورد نفرت آباد شود.

اولین راکتی را که محمد بن سلمان جرأت کند به سوی تهران هدایت کند، نشان دهنده سقوط آل سعود است. تمام بازارهای خاورمیانه و جهان به بحران عمیق فرو می روند. قیمت نفت افزایش می یابد، بازارهای سهام سقوط می کنند و اسرائیل به جنگ علیه حزب الله می رود. دونالد ترامپ پرسنل امریکائی را جهت مقابله با ارتش به خوبی مسلح و بسیار میهن پرست ایرانیان به خاک آنها می فرستد. عراق و سوریه با عروسک های منطقه ئی امریکا، گُردها مقابله می کنند. چین و روسیه و هند منتظر امضای قراردادهای نفتی بزرگ می شوند. صنعت فراکینگ امریکا در حالی که قیمت نفت به بالاترین سطح جدید خود می رسد، جشن می گیرد.

شاهزادگان سعودی به اروپا فرار می کنند، صدها هزار خدمت گزار را در موقعیت آسیب پذیری به حال خود رها می کنند. شاید آنها مجبور شوند که قهوه خودشان را آماده کنند! ترامپ یک «تویت جهت عمل به همه امریکائی ها» صادر می کند – تفنگ داران دریائی به سر چاه های نفت! امریکا را بر پشت خسته سربازان دوباره با عظمت می کند! آپیک (کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل) یک رأی متفق القول در کنگره امریکا تأمین می کند و اعلام می کند که میدان های نفتی عربستان سعودی بخشی بالفعل از اسرائیل بزرگ است.

با افزایش تاریخی قیمت نفت، ونزولا بهبود پیدا می کند، قروض خود را می پردازد، برنامه اجتماعی خود را تأمین مالی می کند، مدارس و کلینیک های خود را دوباره باز می نماید و باز هم یک رئیس جمهور سوسیالیستی انتخاب می کند. پس از آن که سعودی ها چادرهای خودشان را برچینند و به مرکز لندن فرار کردند، کنسرسیوم سرمایه گذاران غربی عهده دار می شوند، بازارهای جهان را با نفت پر می کنند. اما این یک سناریوی بلندمدت است... یا می باشد؟

### درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بازنشسته جامعه شناسی دانشگاه بینگهامتون نیویورک و نویسنده مقالات و کتاب های روشنگرانه ای درباره خاورمیانه، امریکای لاتین و ... است.

برگرداننده شده از:

**Saudi Arabia Regional and Global Linkages James Petras**

<https://petras.lahaine.org/saudi-arabia-regional-and-global-linkages/>